

کانت

«راهنمایی برای خواندن کتاب نقد عقل محض»

محمد رضا واعظ

مرداد ۹۸

خانه حکمت اصفهان

منابع

منابع اصلی:

Kant, Immanuel. 2004. *Metaphysical Foundations of Natural Science*. Translated and Edited by Friedman, Michael. Cambridge University Press.

Friedman, Michael. 1998. *Kant and the Exact Sciences*. Harvard University Press.

ایمانوئل کانت، نقد عقل محض، ترجمه بهروز نظری، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۳۹۴.
فریدمن، مایکل، ۱۳۹۴. کانت و فلسفه علم، ترجمه سعید جعفری، انتشارات نیلوفر.

منابع مرتبط:

Kant, Immanuel. 1998/1787. *Critique of pure reason*, 2d ed., tr. Paul Guyer and Allen W. Wood. New York: Cambridge University Press.

Hanna, Robert, 2006. *Kant, Science, and Human Nature*. Oxford University Press.

بخش‌های مورد نظر برای مطالعه از نقد عقل محض

❖ ایمانوئل کانت، نقد عقل محض، ترجمه بهروز نظری، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۳۹۴.

1. پیشگفتار (ویراست دوم) صص. ۴۳-۶۶
2. مقدمه (ویراست اول) صص. ۶۷-۷۸
3. مقدمه (ویراست دوم) صص. ۷۹-۱۰۰
4. آموزه استعلایی عناصر: بخش اول: حسیات استعلایی (ویراست دوم) صص. ۱۲۰-۱۴۶
5. بخش دوم: منطق استعلایی: ۱۴۷-۲۲۸

فلسفه استعلایی

شناخت استعلایی: شناختی که نه به ابژه‌ها، بلکه فقط به مفاهیم پیشینی ما از ابژه‌ها به طور عام می‌پردازد.

فلسفه استعلایی: شامل نظامی از مفاهیم پیشینی ما از ابژه‌هاست.

نقد استعلایی

آنچه در اینجا موضوع را تشکیل می‌دهد، طبیعت
اشیاء نیست بلکه **فاهمه** است که درباره طبیعت
اشیاء حکم صادر می‌کند، **تنها به شناخت پیشینی**
اشیا مربوط است و چون لازم نیست این شناخت را
خارج از خود جست و جو کنیم، نمی‌تواند از ما پنهان
بماند.

چند نکته

- ✓ تفاوت واژه‌های "Transcendent" و "Immanent" با ارجاع به پیشینه افلاطونی و اسپینوزایی؛
- ✓ تفاوت واژه‌های "Transcendent" و "Transcendental" با ارجاع به لایبنیتس و مفهوم مناد؛

آموزه استعلایی عناصر

بخش اول

حسیات استعلایی

تعریف «شهود» از نظر کانت (Intuition)

چیزی که شناخت از طریق آن، به نحوی بی واسطه
به ابره‌ها مربوط می‌شود و چیزی که هر تفکری، به
آن همچون هدف خود معطوف است، **شهود** است.
(از متن: A 19/B33)

از متن: A 19/B33

اما این شهود فقط تا جایی رخ می‌دهد که ابژه‌ای به ما داده شود و این امر نیز تنها تا آنجا ممکن است که این ابژه به نحوی معین بر ذهن تأثیر گذارد.

تعریف «حساسیت» از نظر کانت (Sensibility)

توانایی کسب (یا توانایی پذیرندگی) بازنمایی‌ها، به شیوه‌ای که در آن، ما از ابژه‌ها متأثر می‌شویم، **حساسیت** نامیده می‌شود.

us.

Cognition

1. **Sensibility:** **Objects** are given to

Intuition

2. **Understanding:** **Objects** are thought

تعریف «احساس» از نظر کانت (Sensation)

اثر یک ابژه بر توانایی بازنمایی ما (حساسیت)، تا جایی که تحت تاثیر آن قرار می‌گیریم، **احساس** است.

تعریف «شهود تجربی» و «نمود» از نظر کانت

Empirical Intuition and Appearance

آن شهودی که از طریق احساس با ابژه مرتبط می‌شود، **شهود تجربی (حسی)** نام دارد.

ابژه یک شهود تجربی (حسی) **نمود** نامیده می‌شود.

us.

Cognition

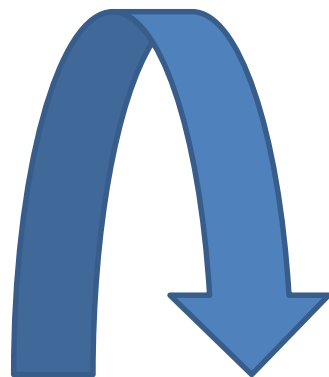
1. **Sensibility:** **Objects** are given to

Intuition

2. **Understanding:** **Objects** are thought

نقد اول: تأملی بسط یافته دربارهٔ یک پرسش واحد

"چگونه احکام ترکیبی پیشینی امکان پذیر هستند؟"



ایده آلیسم استعلایی کانت

تفسیر جدیدی از ایده آلیسم کانتی در این کتاب



نقطه عطف این تفسیر

پاسخ کانت در نقد اول به سؤال دربارهٔ احکام ترکیبی پیشینی از مشغولیت دراز مدتش در مسألهٔ مبنایی تری نشأت می‌گیرد.

In his pre-Critical work of 1763

مفهوم بازنمایی
representation



'The Only Possible Argument in Support of a Demonstration of the Existence of God', 1763.

چگونه یک چیز می تواند بازنماکننده چیز دیگر باشد؟

بازنمایی تصویری



بازنمایی زبانی

- زنده باد ایران
- پوپولیسیم
- عدالت اجتماعی
- یارانه‌ها
- مسکن مهر
- خس و خاشاک
-

بازنمایی زبانی

■ دانشگاه صنعتی اصفهان

■ کانون پنجره

❖ قرارداد در بازنمایی زبانی

ترکیبی از بازنمایی تصویری و زبانی



بازنمایی ذهنی

mental representation

حالات ذهنی بازنمایی کننده چیزی در جهان هستند.



representation



A representation is (a **Vorstellung**)—literally, a ‘putting’ (**stellung**) of something ‘before’ (**Vor**) a conscious mind.

انواع حالات ذهنی

Mental States

1. افکار:

الف. **Propositional Attitudes**: گزاره‌های گزاره‌ای:

باور داشتن، شک داشتن، آرزو داشتن، ترس، امید
✓ محتوای گزاره‌ای دارند: من می‌ترسم که

ب. **گرایش‌های غیر گزاره‌ای**: اعتماد، عشق
محتوای گزاره‌ای ندارند: من عاشقم که !!!

2. احساسات: **Sensations**

درد، گرسنگی، خارش

□ افکار، درباره‌گی دارند اما احساسات شدت و ضعف دارند!!

فرانتانو

Franz Clemens Honaratus Hernann Berentano

□ حیث التفاتی، ممیزه امر ذهنی است: **Intentionality**

آن چیزی که امر ذهنی را از سایر امور جدا می کند، حیث التفاتی (درباره گی) است.

پرسش

□ آیا می‌توانیم بازنمایی ذهنی را به بازنمایی **تصویری** کاهش دهیم؟

□ آیا می‌توانیم بازنمایی ذهنی را به بازنمایی **زبانی** کاهش دهیم؟

اولویت تفسیر نسبت به بازنمایی زبانی و تصویری

❖ اولویت مفهومی

❖ تفسیر توسط ذهن

بازنمایی ذهنی هم در بازنمایی تصویری اولویت **مفهومی** دارد و هم در بازنمایی **زبانی**.

ده سال بعد در نامه‌ای معروف به دانشجوی سابقش مارکوز هرترز

در حالی که موضوعات اصلی آنچه بعداً نهایتاً کتاب نقد عقل محض می‌شود را بیان می‌کند، به همان مفهوم می‌پردازد.

‘The Limits of Sense and Reason’:

1. Theoretical:

- I. general phenomenology
- II. metaphysics, but only with regard to its nature and method

2. Practical

در نامه‌اش به مارکوز هرتز

How an a priori (that is, non-empirical or non-sensory) mental representation can correctly refer to real objects.

چگونه بازنمایی ذهنی پیشینی (غیر تجربی) می‌تواند به طور صحیحی به اشیاء ارجاع داده شود؟

در حقیقت کانت می خواهد بداند:

'how my understanding may form for itself concepts of things completely a priori, with which concepts the things must necessarily agree' (PC Ak. x. 131)

چگونه فاهمه انسان مفاهیمی از اشیاء را به طور کاملاً پیشینی در خود شکل می دهد که اشیاء باید با آن مفاهیم به طور ضروری مطابقت داشته باشند؟

سؤال درباره

objective mental representations

بازنمایی‌های ذهنی عینی

اصطلاح فنی کانت برای بازنمایی ذهنی عینی:

In the Critical period, Kant's technical term for any sort of objective mental representation is:

“cognition”

(Erkenntnis)

شناخت

Consciousness / representation

An objective mental representation: **Cognition**

An objective perception: **Cognition**

Matter (Content) + Form

Matter  Form 

✓ Objective Mental Representation: **Cognition**

✓ Objective Perception: **Cognition**

حسیات استعلایی از متن کتاب

A 22

در حسیات استعلایی، ما ابتدا **حساسیت** را متمایز خواهیم کرد؛ به این ترتیب که همه آنچه را فاهمه از طریق مفاهیم خود درباره آنها می‌اندیشد، کنار خواهیم گذاشت تا چیزی جز **شهود تجربی (حسی)** باقی نماند. در مرحله دوم، ما هر آنچه را به احساس تعلق دارد از این **شهود تجربی** جدا خواهیم کرد تا هیچ چیز جز **شهود محض و صورت محض نموده‌ها** باقی نماند، که تنها چیزی است که حساسیت می‌تواند آن را به نحو پیشینی ایجاد کند. نتیجه این تحقیق این است که **دو صورت محض شهود تجربی (حسی)** به عنوان اصول شناخت پیشینی وجود دارند، یعنی **مکان و زمان**.

«حساسیت» (Sensibility)

شهود محض + احساس : نمود (شهود تجربی)
صورت محض نمودها

Appearance : Sensation + Pure Intuition

Form صورت + Matter ماده

زمان و مکان مثل نفوذناپذیری، سفتی و رنگ

B38

ویراست دوم

آیا زمان و مکان فقط تعینات و یا نسبت‌های اشیا هستند،
به نحوی که حتی اگر آن اشیا شهود نشوند، این تعینات
و نسبت‌ها باز هم در آن اشیا وجود دارند؟

**یا، آیا مکان و زمان طوری هستند که فقط به صورت
شهود مربوط می‌شوند و در نتیجه با ساختار
سوبژکتیو ذهن ما پیوند می‌خورند که بدون آن این
محمولات (زمان و مکان) را هرگز نمی‌توان به هیچ
شیئی اطلاق کرد؟**

بازگشت به عقب

- ارسطو در پایان فصل چهارم از کتاب یازدهم (کاپا) متافیزیک - فصلی با عنوان «فرق میان فلسفه اولی با ریاضیات و دانش طبیعی» - می گوید:
 - «... باید دانش طبیعی و ریاضیات را بخش‌هایی از حکمت انگاشت» (ارسطو، 1384، ص 354). این مطلب را در فصل هفتم کتاب یازدهم - که از تقسیم‌بندی دانش‌ها سخن می گوید - نیز می توان پی گرفت (همان، صص 5-334).

■ تجربه‌گرایی و گریز از دخالت فلسفه:

«برت در کتاب مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین، می‌کوشد شعار کسانی چون گالیله، گیلبرت، بویل و نیوتن را منتقدانه بررسی کند و نشان دهد که آن‌ها بر خلاف مدعیات پوزیتیویستی‌شان، همواره از فرض‌های متافیزیکی و برخی خیال‌پروری‌ها در کارهای علمی خود بهره برده‌اند (ر.ک. برت، ۱۳۸۵)

■ اوج آن در پوزیتیویسم: بی‌معنا انگاشتن متافیزیک؛

بازگشت به عقب

■ کارل پوپر: به جای بی‌معنی انگاشتن متافیزیک درصدد ارائه ملاکی برای تمییز علم از متافیزیک برآمدند، بی‌آنکه قصد براندازی متافیزیک را داشته باشند.

○ پوپر در کتاب منطق اکتشاف علمی، پس از اینکه به منطق استقرایی پوزیتیویست‌ها چنین ایراد می‌گیرد که این منطق از ارائه ملاک تمییز برای تفکیک علم از متافیزیک عاجز است و به ناچار آن‌ها را در یک مرتبه می‌نشاند، می‌گوید:

«به رغم این ترندهای ضد متافیزیکی - که فقط به انگیزه خصومت با متافیزیک به کار می‌رود - من برای خود رسالت برانداختن متافیزیک قائل نیستم. بلکه بر آنم تا علم تجربی را چنان که شایسته است بشناسانم و مفاهیم علم تجربی و متافیزیک را به‌نحوی تعریف کنم که بتوان دانست بررسی دقیق‌تر کدام مجموعه از گزاره‌ها به علم تجربی مربوط می‌شود» (پوپر، ۱۳۸۴، صص ۵۱-۵۲)

■ امکان درس‌آموز بودن علم برای متافیزیک و فلسفه؛

زمان چیست؟

- آگوستینوس: «زمان چیست؟ آنگاه که کسی از من نپرسیده است، نیک می‌دانم که چیست. اما اگر کسی از من بپرسد و من درصدد توضیح آن برآیم، به کلی آشفته می‌شوم»
(آگوستینوس، ۱۳۸۱، ص. ۳۶۶)

مختصات زمانی و مکانی

■ مختصات زمانی و مکانی: اولین ویژگی که به ما کمک می‌کند **اشیاء و رویدادها را از یکدیگر متمایز و متشخص کنیم.**

■ ضرورت داشتن مبدأ؛

■ زمین مرکز بودن نظام **بطلمیوسی؛**

■ انقلاب **کپرنیکی:**

○ با انقلاب کپرنیکی در کیهان‌شناسی، زمین محوری از میان رفت و به‌دنبال آن با کارهای کپلر گالیله و نیوتن، نجوم و کیهان‌شناسی شکل کاملاً جدیدی به‌خود گرفت و قوانین مشترکی بر آسمان و زمین حاکم شد. (بورن، ۱۳۸۵ ص. ۱۰)

■ **نیوتن** نمی‌توانست به جهان طبیعی‌ای رضایت دهد که رویدادها و حرکات در آن از **موقعیت و ویژگی‌های مطلق و منحصر به فردی** برخوردار نبودند.

■ **نیوتن** فرض کرد یک «**زمان عینی مطلق**» وجود دارد، بدون هیچ وابستگی‌ای به یک دستگاه **مختصات ویژه؛**

زمان نیوتنی

- ویژگی مطلق بودن زمان: هر رویداد یک نسبت معین و لایتغیر با این وجود عینی (زمان) دارد که همان ویژگی زمانی آن رویداد است.
- «زمان مطلق ریاضی و واقعی، خودبه‌خود و به مقتضای طبع و بدون نسبت به هیچ امر خارجی، جریانی یکنواخت دارد..... (به نقل از: برت، صص. ۲۴۲-۳)

تفاوت "مکان" و "زمان" در نظر لایبنیتس و نیوتن از کتاب کورنر

۱. نیوتن:

زمان: زمان مطلق به طبع و خودی خود بدون نسبت با هیچ چیز در حال حرکت است. همانند یک کورنومتر.

مکان: مکان مطلق بنا بر طبیعتی که دارد بدون انتساب به هیچ چیز خارجی همیشه همانند و حرکت ناپذیر باقی است.

تفاوت "مکان" و "زمان" در نظر لایبنیتس و نیوتن

۲. لایبنیتس:

زمان و مکان زادهٔ ذهن ما هستند: مکان چیزی نیست جز تصور امتداد منادها و زمان چیزی نیست جز نظام توالی‌ها؛
(زمان تمایز نهادن میان دو تجربه است)

زمان از نظر کانت

زمان: صورت پیشینی ضروری تجربه حسی درونی و بیرونی ماست.

- ✓ چرا که همه تجارب (چه بیرونی و درونی) زمان مند هستند اما صرفاً تجارب بیرونی مکان منداند. مثال: مقایسه تجربه افسردگی با تجربه یک میز
- ✓ زمان حتی یک مفهوم هم نیست چون قابل تعریف نیست چرا که هر تعریفی خودش زمان مند است.

شرح متافیزیکی مفهوم زمان

۱. زمان یک مفهوم تجربی (حسی) نیست که از نوعی تجربه انتزاع شده باشد. زیرا اگر زمان، به نحو پیشینی، مبنا قرار نمی‌گرفت، آنگاه همزمانی یا توالی به ادراک در نمی‌آمد.

فقط بر مبنای پیش‌فرض زمان می‌توان نشان داد که برخی چیزها در زمان واحد (به نحوی همزمان) هستند، و برخی دیگر در زمان‌های متفاوت (به نحوی متوالی).

شرح متافیزیکی مفهوم زمان

۲. زمان یک بازنمایی ضروری است که مبنای هرگونه شهود است.

هرگونه فعلیتِ نمودها فقط در زمان ممکن است. نمودها می‌توانند همگی از بین بروند، اما خود زمان (به مثابه شرط کلی امکان این نمودها)، نمی‌تواند حذف شود.

شرح متافیزیکی مفهوم زمان

۳. زمان فقط یک بعد دارد: زمان‌های متفاوت همزمان نیستند، بلکه متوالی‌اند (حال آن‌که مکان‌های متفاوت متوالی نیستند بلکه همزمانند)

نقد

1. تغییرات واقعی‌اند. (این امر را تغییر بازنمایی‌های خود ما اثبات می‌کند، حتی اگر همهٔ نمودهای بیرونی را با تغییراتشان انکار کنیم)

2. تغییرات فقط در زمان ممکن هستند.

در نتیجه، زمان چیزی واقعی است.

پاسخ کانت

✓ زمان را باید واقعا نه به مثابه ابژه، بلکه به مثابه شیوه بازنمایی خود من در مقام ابژه، تصور کرد.

✓ زمان به خود ابژه‌ها الصاق نشده است، بلکه صرفا به سوژه‌ای مربوط است که این ابژه‌ها را شهود می‌کند.

زمان و ریاضیات

✓ کانت بر این باور است که ریاضیات از زمان سرچشمه می گیرند.

زمان-توالی زمانی- اعداد

ما توالی اعداد را از طریق زمان تجربه می کنیم.

زمان در نظریه نسبیت آینشتین

- آینشتاین در مقاله ۱۹۰۵ با عنوان "درباره الکترودینامیک اشیاء مادی":
 - بر اساس نسبیت خاص، مشخصه زمانی یک رویداد معین، **مورد توافق ناظران متفاوت نیست**، و از طرف دیگر هیچ ملاکی هم برای ترجیح گزارش یکی از ناظران بر دیگری وجود ندارد.
- نتیجه اینکه مشخصه زمانی رویدادها امری لایتغیر نیست که از نسبت منحصر به فرد آن رویداد با یک زمان عینی جهانی حکایت کند.
- گزارش هر ناظر درباره مشخصه زمانی یک رویداد بستگی دارد **به موقعیت فیزیکی آن ناظر نسبت به آن رویداد**، نه اینکه مشخصه ذاتی آن رویداد باشد؛
- **گودل: زمان و مکان تعینات رابطه اشیاء با حسایت ما هستند.**

نگرش درباره "مکان" تا قبل از کانت

۱. مکان عینی است. (Objective)

نیوتن و رئالیست‌ها همچون جان لاک؛

۲. مکان ذهنی است و حاصل تخیل و تصور ذهن ما؛

لایبنیتس

نگرش کانت درباره "مکان"

۳. مکان نه یک داده ذهنی است و نه یک عینیت مستقل از ذهن؛ بلکه ظرفی است که شرط تجربه می‌باشد.

مکان: صورت پیشینی تجربه حسی بیرونی ما (از جهان خارج)؛

شیوه تجربه حسی ما از جهان مکان‌مند است: ما موجودات مکانی هستیم: ما موجوداتی با درک سه‌بعدی هستیم.

نگرش درباره "مکان" تا قبل از کانت

رئالیست‌ها: اشیاء مستقل از ذهن ما هستند.

رئالیست ثانویه: بخشی از شیء همچون مکان مستقل از ذهن ماست. (مکان، حرکت، شکل) - جان لاک

ایده‌آلیسم استعلایی کانت (یا رئالیست تجربی او): نومن و فنومن

مراد کانت از واژه Objective

۱. چیزی مستقل از ذهن من (Object): **نومن**

۲. ابژه یا متعلق چیزی: ابژه ذهن ما (Gegenstand): **فنومن**

Gegenstand (cf., B349).17. This implies that **Kant** must have a specific kind of object in mind when he claims that certain representations are 'without objects'.

✓ در حالی که کانت خود با بی دقتی این دو واژه را در بعضی موارد به جای هم به کار می برد، گایر هم در ترجمه انگلیسی برای هر دو از واژه **objective** استفاده می کند.

شرح متافیزیکی مفهوم مکان

A23

۱. مکان مفهومی تجربی (حسی) نیست که از تجارب خارجی انتزاع شده باشد. زیرا برای آن که احساسات معینی به چیزی خارج از من (یعنی به چیزی در جایی دیگر از مکان، جز جایی که من خود را در آن می‌یابم) مربوط شوند، و نیز برای آن که من بتوانم آن احساسات را در خارج و در کنار یکدیگر بازنمایی کنم، بازنمایی مکان باید خودش از پیش، مبنای آن‌ها باشد.

بنابراین، بازنمایی مکان را نمی‌توان به واسطه تجربه، از نسبت‌های نمود بیرونی اخذ کرد، بلکه این تجربه بیرونی خودش بیش از هر چیز، فقط از طریق همین بازنمایی مکان ممکن می‌شود.

شرح متافیزیکی مفهوم مکان

۲. مکان، یک بازنمایی ضروری پیشینی است که مبنای همه شهودات بیرونی است. هر چند به خوبی می‌توان تصور کرد که هیچ ابژه‌ای در آن مکان وجود نداشته باشد، اما هرگز نمی‌توان تصور کرد که هیچ مکانی وجود نداشته باشد. بنابراین، مکان را باید شرط امکان نموده‌ها دانست و نباید آن را تعیینی تلقی کرد که وابسته به ابژه‌هاست.

شرح متافیزیکی مفهوم مکان

۳. مکان نه یک مفهوم استدلالی، یا همانطور که گفته می‌شود، مفهوم نسبت‌های اشیاء به طور عام، بلکه نوعی شهود محض است. زیرا ابتدا انسان فقط می‌تواند مکانی واحد را بازنمایی کند و اگر از مکان‌های متعدد حرف بزند، مقصودش همان اجزای مکان واحد و یگانه است.

از این جا نتیجه می‌شود که در خصوص مکان، یک شهود پیشینی (که تجربی (حسی) نیست)، مبنای تمام مفاهیم آن است. به این ترتیب، همه اصول (بنیادین) هندسه، برای مثال این که در یک مثلث مجموع دو ضلع بزرگ‌تر از ضلع سوم است، هرگز نمی‌توانند از مفاهیم کلی خط و مثلث مشتق شوند، بلکه حاصل شهود هستند و البته به نحو پیشینی و با قطعیت یقینی.

شرح استعلایی مفهوم مکان

منظور از شرح استعلایی یک مفهوم، شرح آن مفهوم در مقام اصلی است که می‌توان بر مبنای آن اصل، امکان حصول دیگر شناخت‌های ترکیبی پیشینی را درک کرد. برای این منظور ضروری است که:

1. این شناخت‌ها واقعا از مفهوم داده شده مشتق شوند.
2. این شناخت‌ها تنها بر مبنای پیش فرض قرار دادن شیوه‌ای داده شده از شرح این مفهوم، ممکن باشند.

استدلال کانت برای پیشینی بودن "مکان"

هندسه علمی است که ویژگی‌های مکان را به نحو ترکیبی و البته پیشینی تعیین می‌کند.

۱. هندسه اقلیدسی یقینی و پیشینی است.

۲. هندسه چیزی نیست جز علم مکان.

۳. بنابراین، مکان پیشینی است.

توجه

✓ زمان و مکان اموری استعلایی اند: اگرچه شرط تجربه اند اما خارج از تجربه نیز نیستند.

✓ قرن ها حقیقت برای ما مکان بود (اصالت مکان) و آرام آرام حقیقت برای ما زمان شد (اصالت زمان).